

δ بازی ترکیه در قفقاز

مسیح فولکاوسکی

ترجمه: آیت الله مرادی*

مقدمه

وزرای خارجه ترکیه، ارمنستان و سوئیس در سی و یکم اگوست ۲۰۰۹، دو پروتکل را برای بررسی برقراری روابط بین دو کشور ترکیه و ارمنستان و همچنین گشودن مرزهای آنها مورد ارزیابی قرار دادند. بعد از این دیدار «رجب طیب اردوغان» قول داد روابط دیپلماتیک بین دو کشور تا دهم اکتبر برقرار شود. اگر چه دیپلماسی ترکیه در این ماموریت با موفقیت همراه است، ولی شانس عادی سازی روابط بین دو کشور پایین است. در خطر قرار گرفتن اوضاع داخلی ارمنستان، مقاومت از سوی گروه‌های ملی گرا در ترکیه و اپوزیسیون در آذربایجان، منازعه‌ی حل نشده بر سر قره‌باغ و موضع مبهم روسیه، موانعی هستند که پیش روی دو کشور در عادی سازی روابطشان وجود دارد.

فرایند عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان که از سال پیش شروع شده است، مهمترین اولویت سیاست جدید ترکیه در قفقاز به شمار می رود که بعد از جنگ گرجستان و روسیه شروع شده است. اولویت ترکیه از پیش گرفتن این سیاست شامل افزایش همکاری‌ها بین همه‌ی کشورهای منطقه، کاهش وابستگی ترکیه به منافع آذربایجان و تلاش آنکارا برای ایفای نقش میانجی جهت حل منازعات موجود در قفقاز می باشد. اگر چه سیاست فعال ترکیه توانایی ایفای نقش یک بازیگر مستقل را در قفقاز دارد و مستعد دیکته کردن قواعد بازی خود در این منطقه می باشد، ولی داشتن یک نفوذ بلند مدت به واکنش کشورهای قفقاز، روسیه و غرب بستگی دارد و تنها تصمیم آنکارا در این زمینه کافی نیست.

سیاست نزدیک شدن ترکیه به ارمنستان از زمان جنگ روسیه و گرجستان در اگوست ۲۰۰۸، شدت گرفته است. هدف ترکیه از این سیاست، برقراری روابط با ارمنستان و گشودن مرزهای دو کشور می‌باشد که از سال ۱۹۹۳ بسته شده است. در بلند مدت ترکیه خواهان گشودن راه‌های ترانزیتی ارمنستان به روی این کشور و همچنین وارد کردن ارمنستان به تعاملات منطقه‌ای می‌باشد.

در سپتامبر ۲۰۰۸، «عبداله گل» رئیس جمهور ترکیه جهت تماشای فوتبال بین تیم‌های ترکیه و ارمنستان به ایروان رفت و با «سرژ سارکسیان» رئیس جمهور ترکیه ملاقات کرد که در پی آن ملاقات‌های سطح بالایی طی ماه‌های بعد انجام گرفت. رایزنی‌های بین دو کشور در آوریل ۲۰۰۹، باعث طرح نقشه‌ی راهی شد که مطابق با آن دو کشور توافق‌هایی در زمینه‌ی امضای پروتکل‌های برقراری روابط و همچنین گشودن مرزهای یکدیگر نمودند که حدوداً دو ماه بعد این اسناد به امضاء رسید. همچنین رایزنی‌های سیاسی داخلی جهت تصویب این توافق نامه‌ها توسط مجالس دو کشور در اواسط سپتامبر شروع شد. به هر حال فرایند عادی‌سازی روابط دو کشور با موانع بسیاری روبرو می‌باشد که هر لحظه امکان بن بست در این فرایند وجود دارد. اولاً این اقدام دو کشور موجب تحریک و مجادلات بحث برانگیزی در هر دو کشور می‌شود. حقیقت آن است که فرایند عادی‌سازی در روابط دو کشور برای ارمنستان سودمند است و در صورت عادی‌سازی روابط، ارمنستان از انزوای بلند مدتی که در آن قرار گرفته است خارج خواهد شد. این امر موجب مشارکت این کشور در پروژه‌های حمل و نقل منطقه‌ای و همچنین کاهش وابستگی به روسیه و ایجاد زمینه برای توسعه‌ی روابط با اروپا می‌گردد.

با وجود این، مذاکره‌ی ارمنستان با ترکیه ناشی از یک پذیرش داخلی نیست؛ بلکه استراتژیی با ریسک بالا به حساب می‌آید که سارکسیان رئیس جمهور ارمنستان آن را در پیش گرفته است. او این استراتژی را با این امید شروع کرده است که در صورت موفقیت تاکتیک هایش، ارمنستان او را به عنوان کسی ببیند که این کشور را از انزوا نجات داده است. وی از این طریق در پی آن است تا موقعیت سیاسی خود را به نحو چشم‌گیری مستحکم سازد و بتواند ضمانتی را برای داشتن حکومت باثبات در آینده داشته باشد.

این در حالی است که اکثر نیروهای سیاسی در ارمنستان به طور جدی مخالفت خودشان را با ایجاد روابط حسنه با ترکیه اعلام کرده‌اند. در حقیقت هر دو گروه ملی گرا (حزب داشناکسیون و کهنه سربازان جنگ قره‌باغ) و هم مخالفان در داخل و خارج از پارلمان (کنگره ملی ارمنیان به رهبری رئیس

جمهور سابق لئون تر پطروسیان) از مخالفان شروع روابط به حساب می‌آیند. روبرت کوچاریان، رئیس جمهور سابق نیز عادی‌سازی روابط بین دو کشور را با دیده تردید می‌نگرد.

مخالفان اعلام کرده‌اند که عادی‌سازی روابط، امنیت ارمنستان را در قره‌باغ به خطر می‌اندازد و ممکن است ارکان دولت ارمنستان و هویت ملی آن را به خاطر عقب نشینی از تایید کشتار آرامنه توسط امپراطوری عثمانی در سال ۱۹۱۵ به عنوان نسل کشی با آشفتگی روبرو سازد. همچنین مخالفان معتقدند دولت شرایط واقعی توافق با ترکیه را از دید عموم پنهان می‌کند و حتی بنا به گفته‌ای به پس دادن خاک آذربایجان در اطراف قره‌باغ که توسط ارمنه اشغال شده، رضایت داده است.

این موضوع می‌تواند اوضاع داخلی ارمنستان را به هم بریزد. تظاهرات خیابانی و حتی وقوع یک کودتا، حملات و اقدامات تروریستی جهت کشتن مقامات بلندپایه (همچنان که قبلاً اتفاق افتاده است)، می‌تواند از جمله پیامدهای این اقدام باشد. اتفاقاتی این چنین قابلیت به بن بست کشیدن عادی‌سازی روابط با ترکیه را دارد.

از سویی دیگر گروه‌های ملی گرا در ترکیه نیز حاضر به مصالحه با ارمنستان نیستند. از نظر آنها ایجاد روابط حسنه با ارمنستان خیانت به منافع کشور متحد آنها یعنی آذربایجان می‌باشد. پروتکل‌های مورد توافق در ۳۱ آگوست می‌بایستی قبل از امضای طرفین به تصویب پارلمان هر دو کشور برسد. با وجود این اگر هیچ گونه پیشرفتی در مورد قره‌باغ صورت نگیرد، نمایندگان پارلمان ترکیه عادی‌سازی روابط با ایروان را نخواهند پذیرفت.

اعتراض آذربایجان و بن بست بر سر ناگورنو- قره‌باغ

آذربایجان به طور شدیدی به گشوده شدن احتمالی مرز ارمنستان و ترکیه اعتراض کرده است و تاکید نموده که قبل از هر گونه مصالحه‌ای می‌بایست موضوع قره‌باغ حل و فصل شود. باکو سعی دارد آنکارا را با اقدامات متقابل همچون قطع گاز، تغییر مسیرهای انتقال انرژی به جای استفاده از مسیرهای ترکیه (مانند مسیر گرجستان و دریای سیاه به رومانی)، بیرون کشیدن تقریباً ۱۵ میلیارد دلار از سرمایه‌های آذربایجان از بانک‌های ترکیه و ایجاد موانع بر سر راه تجار ترکیه در آذربایجان، تهدید نماید. بدین ترتیب اعتراضات این چنینی از سوی آذربایجان موجب ایستادگی ترکیه در مواضعش شده است و ترکیه اعلام کرده است که باز شدن مرزها تنها بعد از پیشرفت در مورد منازعه ناگورنو- قره‌باغ امکانپذیر

خواهد بود. در این خصوص خروج سربازان ارمنی از سرزمین‌هایی که آنها را اراضی اشغالی آذربایجان می‌نامند، مد نظر آنها می‌باشد.

در نتیجه تاکنون هیچ گونه پیشرفت قبل توجهی در مورد قره‌باغ صورت نگرفته است. ظاهراً قرار است توافقی بر سر این موضوع طی چند ماه آینده حاصل شود. ملاقات‌هایی بین دو طرف آذری و ارمنی در پرتو گروه مینسک انجام می‌گیرد که در همین راستا نمایندگان آنها افزایش همکاری بین دو طرف را گزارش داده‌اند. علاوه بر این روسای جمهور آمریکا، روسیه و فرانسه که از اعضای گروه مینسک به شمار می‌آیند، در دهم جولای ۲۰۰۹، بیانیه‌ای مبنی بر توافق‌های بدست آمده و همچنین هماهنگی در آینده صادر کردند. این بیانیه‌ها شامل مواردی همچون بازگرداندن مناطق اشغالی توسط ارمنستان، برقراری یک وضعیت موقت برای قره‌باغ، باقی ماندن کریدور بین مناطق اشغالی و ارمنستان در کنترل ارمنستان، برگزاری رفراندوم برای تعیین وضعیت قره‌باغ بعد از یک دهه یا بیشتر، بازگشتن پناهندگان به مناطق اشغالی یا خود قره‌باغ، اعطای ضمانت‌های امنیتی بین‌المللی برای مناطق تحت اشغال و اعزام نیروهای حافظ صلح به این مناطق می‌باشد.

با این حال جدیت گروه مینسک با جبهه گیری‌های نمایندگان طرفین درگیر تناقض دارد. به عنوان مثال آذربایجان ادبیات جنگی خودش را همچنان بکار می‌گیرد. علاوه بر این همچنان تحرکات نظامی در قره‌باغ به طور روز افزونی مشاهده می‌شود. مانع جدی دیگری که از برقراری صلح در بین طرفین جلوگیری می‌کند، عدم اعتماد به یکدیگر و همچنین عدم آمادگی افکار عمومی در هر دو کشور برای پذیرش مصالحه می‌باشد.

اگرچه هر دو کشور قصد دارند که اصول کلی توافقات را بپذیرند، ولی قادر به پذیرش جزییات آن نمی‌باشند که شامل مسائلی همچون بازگشت پناهندگان، برگزاری رفراندوم برای آینده قره‌باغ و ضمانت‌های امنیتی برای قره‌باغ می‌باشد. به نظر می‌رسد ارمنستان بدون دریافت ضمانت‌های مطمئن همچون استقرار نیروهای حافظ صلح، مناطق تحت اشغال خود را پس نخواهد داد. از آنجایی که مسکو مخالف حضور نظامیان هر کشور ثالثی در این منطقه می‌باشد، تنها نیرویی که بتواند ضمانت امنیتی این منطقه را فراهم سازد، سربازان روسی می‌باشند. به هر حال این سناریو از سوی آذربایجان رد شده است؛ چرا که این کشور خواهان وابستگی به روسیه نیست.

آیا مسکو خواهان عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان می‌باشد؟

روابط ارمنستان و ترکیه تنها در صورتی عادی خواهد شد که حداقل روسیه در مورد آن موضعی بی‌طرف بگیرد. ترک‌ها نسبت به بن بست کشیده شدن فرایند عادی‌سازی از جانب روس‌ها نگرانند و این احتمال را می‌دهند که دولت ارمنستان تحت فشار روس‌ها قرار گیرد و یا حتی گرفتار ناآرامی‌های داخلی گردد. به همین دلیل ترکیه اقدامات خود را با هوشیاری کامل به کار می‌گیرد. ترکیه تلاش می‌کند روسیه را متقاعد کند که در پی تخریب منافع و ایجاد چالش برای نقش کلیدی روسیه در قفقاز نمی‌باشد. ملاقات‌های بی‌شمار نمایندگان دولت ترکیه با روس‌ها و تشویق مسکو بر ایفای نقش فعال‌تر جهت حل منازعه قره‌باغ در جهت نشان دادن حسن نیت ترک‌ها می‌باشد. بخشی از ثبات قفقاز و همکاری‌های موجود بر پایه‌ی همکاری‌های بین ترکیه، روسیه و کشورهای قفقاز می‌باشد که ترکیه برای روسیه در این منطقه یک نقش کلیدی قائل شده است. ترکیه همچنین سعی دارد نشان دهد سیاستش در قفقاز بدون وابستگی و مستقل از غرب به خصوص ایالات متحده می‌باشد.

در این بین روسیه نسبت به عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان به طور کاملاً مبهمی واکنش نشان داده است. بعد از اعلام پروتکل عادی‌سازی روابط بین ترکیه و ارمنستان، وزیر امور خارجه روسیه نسبت به مثبت بودن این فرایند تاکید کرد. در حالی که روسیه می‌توانست به رسمیت شناختن آبخازیا را از ترکیه طلب کند و از ارمنستان بی‌ثبات کردن استان جاواختی گرجستان را بخواهد که دارای نژاد ارمنی هستند؛ تا بدین ترتیب باعث به هم ریختن اوضاع گرجستان گردد و همچنین دستاویزی برای دخالت روسیه در گرجستان فراهم سازد. به هر حال با توجه به سیاست قبلی روسیه و همچنین نوع رفتار این کشور به نظر می‌رسد مسکو نسبت به عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان بی‌میل است. از اوایل دهه ۱۹۹۰، یکی از ارکان سیاست روسیه در قفقاز، انزوای ارمنستان و نگه داشتن آن در حوزه نفوذ خود بوده است. منازعه‌ی حل نشده‌ی قره‌باغ و همچنین بسته نگه داشتن مرز بین ارمنستان و آذربایجان، ابزار کارآمد سیاست روسیه در این استراتژی به شمار رفته است. روسیه نسبت به احساسات ضد روسی آگاهی کامل دارد و می‌داند که ارمنستان خواهان ایجاد روابط نزدیک با غرب است و اتحاد این کشور با روسیه نیازی است که از شرایط بین‌المللی این کشور سرچشمه می‌گیرد. احتمال نمی‌رود که روسیه به راحتی چنین اهرم‌های فشاری را در مورد ارمنستان نادیده بگیرد. گذشته از این روسیه به طور سنتی ترکیه را یک رقیب در قفقاز به حساب می‌آورد که سعی در کم کردن نفوذ روسیه به دلایل تاریخی و همچنین بلندپروازی‌هایش در ایفای یک نقش بزرگتر در این منطقه دارد.

مهمترین فاکتور سیاست ترکیه در قفقاز، عادی‌سازی روابط این کشور با ارمنستان به شمار می‌رود. تقویت این سیاست به تغییر موقعیت ژئوپولیتیکی این کشور در منطقه وابسته است که بعد از جنگ گرجستان و روسیه روند تندی به خود گرفته است. در نتیجه‌ی این جنگ، غرب اقدامات و تمرکز خود را نسبت به فعالیتی که قبلا در این منطقه داشت، کاهش داد و حمایتش برای برقراری ثبات در گرجستان به طور فزاینده‌ای محدود گردید. بعد از جنگ با گرجستان که روسیه قدرت خودش را برای حفظ منافعش در این منطقه به نمایش گذاشته بود، هیچ‌گونه تحرک چشم‌گیری در این منطقه نداشته است. بنابراین با وجود چنین شرایطی، خلایی برای اقدامات و تحرکات غرب و روسیه در این منطقه پدیدار گشته است که این فرصت را برای ترکیه جهت تقویت اقداماتش در منطقه بوجود آورده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدف آنکارا از یورش دیپلماتیک به قفقاز، تقویت موقعیت ترکیه در منطقه و نمایش خودش در صحنه‌های بین‌المللی به عنوان یک کشور قابل اتکاء که دارای روابط خوبی با همسایگانش می‌باشد و در جهت بهبود ثبات و برقراری امنیت در منطقه تلاش می‌کند، می‌باشد.

برای باز کردن یک صفحه جدید از سیاست قفقازی ترکیه، آنکارا باید در سیاست‌های قبلی خود، خصوصا در مورد متحد نزدیکش آذربایجان که عامل اصلی قطع روابط با ارمنستان به شمار می‌رود، تجدید نظر کند. در حقیقت در شرایط فعلی، ترکیه توسط باکو به عنوان گروگان نگه داشته شده است. سیاست جدید ترکیه می‌بایستی بر اساس همکاری با همه‌ی کشورهای منطقه‌ی قفقاز، باز تعریف روابط ترکیه با آذربایجان، افزایش ابتکارات منطقه‌ای و ایفای نقش میانجی در منازعات منطقه‌ای توسط ترکیه پدیدار شود.

نتیجه‌گیری

موانع فوق‌الذکر بر سر راه ترکیه و ارمنستان، عادی‌سازی کامل روابط بین آنکارا و ایروان را در کوتاه مدت ممکن نخواهد کرد. احتمالا روابط دیپلماتیک بین دو کشور برقرار خواهد شد. به هر حال شناس امضای پروتکل روابط ایروان و آنکارا توسط مجلس ترکیه خیلی کم است و این تنها یک گام برای برقراری آشتی خواهد بود، نه یک پیشرفت بزرگ در روابط آنها.

علی‌رغم مشکلات فراوانی که ترکیه در این منطقه با آن روبرو گشته است، با گرفتن ابتکار عمل می‌تواند موفقیت‌های نسبی را نصیب خود کند. آنکارا خود را به عنوان یک بازیگر مستقل به نمایش در آورده است که لایق شکل دهی یک موقعیت ژئوپولیتیکی در این منطقه می‌باشد. در حال حاضر این

ترکیه است که ابتکار عمل را در بازی به دست گرفته است و روسیه و غرب تنها دست به اقدامات واکنشی می‌زنند.

اینکه آیا موفقیت ترکیه در تعامل با کشورهای این منطقه به نفوذ پایدار تبدیل خواهد شد، تنها به تصمیم ترکیه وابسته نیست؛ بلکه حفظ تعامل این کشور با همسایگانش، روسیه و غرب بسیار مهم به نظر می‌رسد؛ خصوصا آنکه واکنش هیچ کدام از آنها قابل حدس نیست.

برخلاف ظاهر، اقدامات موفقیت آمیز ترکیه در این منطقه برای ارمنستان بسیار سودمند خواهد بود و عادی‌سازی روابط این کشور با ترکیه می‌تواند از وابستگی این کشور با روسیه بکاهد و سرآغاز روابط نزدیکی با غرب برای این کشور باشد. با این وجود سیاست جدید ترکیه یک اخطار برای گرجستان و آذربایجان به شمار می‌رود. اگرچه همکاری با ترکیه در نوع خود یک عامل موثر برای سیاست‌های آنها می‌باشد، اما موفقیت ترکیه در انجام ابتکاراتش به تجدید نظر این کشورها در سیاست خارجی آنها نیاز دارد. از نظر گرجستان بهبود روابط ترکیه با آبخاریا بسیار خطرناک می‌باشد. از سویی آذربایجان از اینکه ترکیه در دراز مدت روابطش را با ارمنستان عادی نماید، احساس خوبی ندارد و به احتمال زیاد به سمت ایجاد روابط نزدیکتر با روسیه گام خواهد برداشت.

بازشدن مرز ارمنستان و ترکیه که از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا حمایت می‌شود و همچنین مصالحه بر سر مساله قره‌باغ، از نقطه نظر غربی‌ها سودمند می‌باشد. در این صورت نفوذ روسیه در قفقاز کاهش پیدا خواهد کرد و راه‌های حمل و نقلی که تا به حال بسته بوده اند، در بخش جنوبی این منطقه فعال خواهند شد که در نتیجه‌ی آن ارتباط قوی‌تری بین قفقاز و اروپا ایجاد خواهد شد. به هر حال موقعیت قوی ترکیه در این منطقه می‌تواند قدرت نفوذ روسیه را در قفقاز کاهش دهد.

موضع روسیه در این مورد قطعی به نظر می‌رسد. حضور فزاینده‌ی ترکیه در قفقاز می‌تواند منافی را برای روسیه در پی داشته باشد. با وجود این روسیه هنوز معتقد است که قفقاز در حوزه‌ی نفوذ این کشور قرار دارد و افزایش حضور کشور دیگری در این منطقه اعتراض اصولی این کشور را در پی خواهد داشت. بنابراین روسیه در هر صورت با ابتکارات و اقدامات ترکیه در این منطقه مخالفت خواهد کرد.

* پژوهشگر مسائل آسیای مرکزی و قفقاز

منبع اصلی مقاله:

Maciej Falkowski, Turkey's game for the Caucasus. (www.euractiv.com), 5 October 2009